

گزارش کوتاه

انهدام باند کلاهبرداری پانزی با سرمایه‌گذاری OpenSoil

باند بزرگ کلاهبرداری ارزهای دیجیتال که با روش پانزی و با ترغیب سرمایه‌گذاری موسوم به OPENSOIL از شهروندان کلاهبرداری کرده بودند در تهران متلاشی شد.

سرهنگ داوود معظمی رئیس پلیس فتای تهران در این باره گفت: در پی مراجعه تعدادی از شهروندان پایتخت به پلیس فتا مبنی بر کلاهبرداری تحت عنوان سرمایه‌گذاری ارزهای دیجیتال از آنها، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس فتای پایتخت قرار گرفت.

وی با اشاره به اینکه هرگونه فعالیت‌های با وعده و درآمدزایی نجومی و تضمینی یا نامتعارف یا دریافت سود آن منوط به وارد کردن اعضای جدید می‌تواند ترغیب‌دهنده برای کلاهبرداری پانزی باشد، خاطرنشان کرد: کارشناسان پلیس فتای پایتخت اقدامات تخصصی خود را آغاز کردند و پس از بررسی اظهارات شکات پرونده و تحقیقات فنی پلیسی متوجه شدند مجرمین اینترنتی در قالب یک باند کلاهبرداری در پوشش یک سایت موسوم به OPENSOIL با ترغیب سوددهی چندین برابر در ازای سرمایه‌گذاری و عضوگیری فعالیت دارند و دریافتی‌های مالی خود را جهت سرمایه‌گذاری صرفاً به‌صورت اینترنتی و با ارز دیجیتال از جمله تتر و... دریافت می‌کنند.

معظمی گودرز با اشاره به اینکه این فرایند دسیسه پانزی تلقی می‌شود، ادامه داد: ماهیت تبلیغی این قبیل شرکت‌ها کلاهبرداری بوده و با ارائه خدمات ارز دیجیتال و کسب سود، با ادعاهای دروغین وعده سرمایه‌گذاری در برنامه‌های درآمدزایی، سودهای ثابت ماهیانه به سرمایه‌گذاران، وعده پاداش درصدی چشمگیر به ازای معرفی افراد جدید برای عضوگیری و تعادل در افراد زیرمجموعه را می‌دهند که این طرح در زمره فعالیت‌های پانزی قرار می‌گیرد.

رئیس پلیس فتای پایتخت با اشاره به اینکه تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر از شکات پرونده به این پلیس مراجعه کرده و ارزش ریالی پرونده به بیش از چهارصد میلیارد ریال رسیده است و اعتیاد و اختلال مصرف مواد همچنان در حال افزایش است، اظهار کرد: با تلاش شبانه‌روزی افسران سایبری این پلیس، هویت تمامی اعضای این باند کلاهبرداری به دست آمد و پس از تشریفات قضایی، ۴ نفر از مجرمین توسط تیم‌های عملیاتی این پلیس در یک عملیات همزمان در چند نقطه از تهران دستگیر شدند.

وی با اشاره به اینکه در این روش کلاهبرداری ممکن است برای اعتمادسازی تا مدتی هم از سرمایه‌گذار جدید سود افراد قبلی را بپردازند، افزود: با توجه به ویژگی‌های ذاتی فضای سایبری و نبود مرز جغرافیایی، کلاهبرداری در هر نقطه از کره زمین قادر به رسیدن به مطامع شوم خود هستند بنابراین تا قبل از اطمینان و آگاهی لازم در حوزه رمزارزها هرگونه سرمایه‌گذاری در این زمینه خودداری کنید.

بازداشت پزشک قلابی در داراب

مرد جوان که در داراب در نقش یک پزشک طب سنتی از مردم پول می‌گرفت دستگیر شد.

فرمانده انتظامی داراب از شناسایی و دستگیری پزشک قلابی که به عنوان پزشک طب سنتی، بدون داشتن مجوز قانونی در این شهر اقدام به فعالیت‌های درمانی می‌کرد، خبر داد.

سرهنگ علیرضا نوشاد رئیس پلیس داراب گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر اینکه فردی با معرفی خود به عنوان پزشک طب سنتی اقدام به مداوای بیماران مراجعه‌کننده و تجویز دارو برای آنها به صورت غیرقانونی می‌کند، بلافاصله موضوع با جدیت در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی با اشاره به اینکه مأموران این انجام تحقیقات میدانی به یکسری سرخ‌هایی در این خصوص دست یافتند، افزود: متهم به مراجعین خود این گونه اظهار داشته که شما مبتلا به بیماری عفونی یا صعب‌العلاج هستید و با دریافت مبالغ هنگفت اقدام به تجویز دارو تقلبی و بی‌اثر عمل جراحی در خانه خود می‌کرده است.

فرمانده انتظامی داراب تصریح کرد: مأموران انتظامی پس از هماهنگی قضایی در معیت کارشناس شبکه بهداشت مخفیگاه متهم را که دارای مدرک سبک بود شناسایی و وی را در منزلت دستگیر کردند. سرهنگ نوشاد با بیان اینکه در بازرسی از منزل متهم اقلام زیادی داروهای تقلبی و غیرمجاز کشف شد، گفت: پزشک قلابی پس از تشکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی و سپس روانه زندان شد.

این مرد تحصیلکرده فقط ماشین لوکس می‌دزدید

اعترافات رابین هود تهران

علی چاهه/ هر ماشینی را روشن می‌کنم و در چشم برهم زنی سرت! حتی اگر از جدیدترین سیستم‌های ایمنی نیز بزرگ آن استفاده کرده باشند. مردی ۳۵ ساله است که تاکنون ۱۳ بار به زندان افتاده و حالا نیز به جرم دزدیدن ۱۴ ماشین لوکس بنز، مزدا و... در مناطق اعیان‌نشین تهران توسط مأموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران دستگیر شده است.

این دزد ماشین‌های لوکس می‌گوید: «هر ماشینی را که اراده کنم حتماً سرت می‌کنم. برای آن ماشین‌هایی که جی‌پی‌اس دارند هم برنامه‌ریزی کرده‌ام و از آنجایی که مدرک فوق‌دیپلم مدارهای الکترونیکی دارم، دستگاهی را به قیمت ۱۱ میلیون تومان خریداری کرده‌ام تا مکان GPS را پیدا کنم. او ادامه می‌دهد: «بزرگ‌ترین مشکلی که دارم این است که مصرف‌کننده مواد مخدر هستم و شاید اگر این کار را انجام نمی‌دادم هرگز دزدی نمی‌کردم چراکه وقتی مواد مصرف نمی‌کنم تنها فکر و ذکر من خانواده و فرزندانم هستند اما وقتی مواد استفاده می‌کنم، باعث افزایش من دزدی و سرقت است و دیگر حوصله فرزندانم را ندارم و خشن می‌شوم. البته هر موقع ماشین‌ها را به مالخر داده و ۱۳ یا ۱۴ میلیون دریافت می‌کردم، پول آن همان روز خرج می‌شود. من طاقت دیدن بدبختی‌های مردم را ندارم و وقتی می‌دیدم صاحبخانه‌های لوازم منزل مستاجر خود را بیرون ریخته این من بودم که با پول آن ماشین‌ها، کرایه خانه افرادی را که حتی نمی‌شناختم پرداخت می‌کردم.»

وجود مواد مخدر در زندگی هرنسانی می‌تواند عامل اصلی در نابودی زندگی او باشد. اعتیاد و اختلال مصرف مواد مخدر یک معضل بهداشتی جهانشوم و فرارنده است که در سراسر جهان و فارغ از بافت فرهنگی و جغرافیایی، آسیب‌هایی را در ابعاد «فردی»، «خانوادگی» و «اجتماعی» ایجاد کرده است و متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد افزایش مصرف مواد مخدر در داخل و حتی در کشورهای خارجی بوده‌ایم. این موضوع نیز مربوط به عوامل متعددی است که بدون شک یکی از آنها مشکلات اقتصادی و اجتماعی است.

اعتیاد در حوزه فردی مشکلاتی را در سلامت روان، ابتلا به بیماری‌های عفونی مثل ایدز، هیپاتیت B، هیپاتیت C و همچنین تپاخر و بی‌خانی‌ها به وجود می‌آورد. یک پله بالاتر از این مسأله در حوزه خانوادگی نیز طبق بررسی‌هایی که صورت گرفته است، باعث افزایش آمار ارتکاب جرم، خودکشی، مرگ‌ومیر، طلاق، همسرآزاری، کودک‌آزاری، مشکل فرزندی، همجنس‌گرایی، تعصب و کسرتش فقر و فقرها در خانواده را به دنبال دارد، کما اینکه در زمینه اجتماعی هم مشکلات متعدد خود را به همراه دارد و باعث بیکاری، تکدی‌گری، حاشیه‌نشینی، سرقت، جرم و جنایت می‌شود.

مثلاً سبنا چند ساله هستی و آیا قبل از اینکه دستگیر شوی نیز سابقه داشتی؟ ۳۵ ساله و دارای یک دختر و یک پسر هستم. تاکنون ۱۳ سال سابقه زندان رفتم دارم و گویا قرار نیست تمام مواد او این‌بار برای چه چیزی دستگیر شدی

و چرا بعد از ۱۳ بار توبه نمی‌کنی؟ من فوق‌دیپلم مدار الکترونیکی دارم، یک روز که کیس کامپیوتر همسایه ما خراب شده بود، وقتی خانه نبود آن را با خود بردم و درستش کردم. در این میان او به پلیس زنگ زده بود اما باز نمی‌دانستند کار چه کسی بوده است تا اینکه وقتی کیس درست شد آن را به همسایه‌ام تحویل دادم اما او مرا به پلیس معرفی کرد و زندانی شدم. اینکه توبه نمی‌کنم تنها دلیل آن اعتیاد است. مواد مخدر آنقدر قدرت دارد که وقتی می‌کشی دیگر به هیچ چیز جز دزدی فکر نمی‌کنی. من حتی وقتی مصرف نمی‌کنم تنها دغدغه‌ام فقر و ذکر فرزندانم هستند اما به محض استفاده تنها دغدغه‌ام زدی می‌شود. چگونه این ۱۴ ماشین را دزدی؟

سوار مترو می‌شدم و بعد از پیاده شدن در ایستگاه تجریش، پیاده به سمت دریند یا مناطق دیگر می‌رفتم و اگر ماشینی می‌دیدم که به خود می‌کردم یا اگر ماشینی یک تاکسی سوار شده و دوباره به خانه‌ام برمی‌گشتم.

از این زده‌ها چقدر گیرت آمد؟ قرار بود مالخر روی هر ماشین خارجی که برای او می‌برد ۵۰ میلیون تومان به من بدهد، اما این کار را نمی‌کرد و تنها ۱۴ میلیون می‌داد. قرار شد مابقی آن را نیز یکجا به من بدهد تا شاید اینگونه پس‌اندازی داشته باشم. آن پول‌ها هم اصلاً به دردم نخورد. یعنی وقتی صبح آن پول را می‌گرفتم به شب نرسیده تمام می‌شد.

یعنی در یک روز ۱۴ میلیون را خرج می‌کردی؟

بله، همه پول را خرج می‌کردم. وقتی می‌دیدم در محله‌ای صاحبخانه، وسایل خانه کسی را بیرون ریخته است، پول

دیدند و با اقدامات تخصصی و اطلاعاتی گسترده و مهندسی معکوس عملیاتی از لوکس، به دزد اصلی

ماشین‌دزدی را برای برگرداندن او به خانه‌اش هزینه می‌کردم. مگر رابین هود بودی که از پولدار سرقت می‌کردی و به فقرا می‌دادی؟ نه، من رابین هود نبودم اما نمی‌توانستم درد و زنج مردم را مثل شماها ببینم و از کنار آن عبور کنم.

چه ویژگی‌ای باعث می‌شد یک ماشین را بیدزدی؟ اگر ماشینی چشمم را می‌گرفت بنا خود می‌بردم و برای مهم نبود که از نظر ایمنی چه چیزهایی دارد. البته با لوازم ایمنی زمان دزدی بیشتر می‌شد، بنابراین معمولاً از خیر آنها می‌گذشتم ولی اگر بود نیز حتی در کمتر از ۳ دقیقه و به وسیله GPS سرقت می‌کردم. با دستگاهی که یک میلیون خریداری کرده بودم، می‌توانستم مکان دقیق GPS را متوجه شوم.

البته مردم هم باید خودشان رعایت کنند. برای مثال یک بار فردی ماشینی روشنش را مقابل خانه گذاشت و داخل خانه رفت که این کار او ۱۰ دقیقه بیشتر زمان برد. من هم دیرم شده بود که تصمیم گرفتم ماشین او را ببرم. تا کی می‌خواهی ادامه بدهی؟

معلوم نیست، اما فعلاً در این پرونده که ۱۱ ماشین پیدا شده و تنها ۳ ماشین دیگر مانده است که اگر آنها را هم پس بدهم، دیگر خیالم راحت می‌شود که به کسی مدیون نیستم. از همین پایگاه ۴ پلیس آگاهی هم از افرادی که ماشین‌هایشان را دزدیده‌ام، حلالیت می‌طلبم.

بنا برای این گزارش، تیمی تخصصی از پایگاه ۴ پلیس آگاهی تهران وقتی با سرقت‌های سرپایی ماشین‌های لوکس و هم‌بزه به سیستم ایمنی بالا حتی جی‌پی‌اس مواجه شدند، خود را در برابر یک دزد با باندی حرفه‌ای



قاتل فرسنگ‌ها از کرج دور بود

محاصره مخفیگاه امن قاتل فراری

چون شب عید بود.

بازپرس این پرونده درباره صدور کفایت‌خواست نیز گفت درحال حاضر متهم صرفاً دفاعیات خود را بعد از تفهیم اتهام مطرح کرده و باید تحقیقات کارآگاهان درباره موضوع دفاع مشروع متهم درمقابل مقتول تکمیل شود چرا که این موضوع در تعیین نوع مجازات متهم در دادگاه کفایت و تأیید آن از سوی دیوانعالی مؤثر خواهد بود.

وی گفت: هنوز مشخص نیست که آیا مالک سلاح سرد دقیقاً مقول بوده یا قاتل و شروع دعوا با چه کسی بوده است. همچنین دفاع متهم که اگر چاقو را از مقتول نمی‌گرفت خود تلف و قربانی ماجرا بود به اثبات نرسیده بنابراین تحقیقات برای تکمیل پرونده از سوی کارآگاهان جنایی ادامه دارد همچنین تحقیقات از شاهدانی که در محل درگیری حضور داشتند نیز درحال انجام است. قاضی عنبری درباره چنین جنایت‌هایی به خبرنگار «ایران» گفت: برخی افراد بنا به یک طرز فکر کاملاً غلط خود را مجاز به حمل سلاح سرد می‌دانند اما دیده شده همین قشر پس از ارتکاب به چاقو زنی و وقوع قتل‌های ناخواسته، ترسند و قدرت‌نمایی را علت حمل سلاح عنوان می‌کنند. اساساً چاقو، زنجیر، پنجه بوکس، قسه، نیمچه، انواع تیزی، چوب، شمشیر، نانچیکو و سایر اقلام مشابه از مصادیق سلاح سرد هستند و گاهی متأسفانه می‌شود سلاح سرد به عنوان وسیله تهدید و قدرت‌نمایی بین برخی افراد و بخصوص جوانان استفاده می‌شود اما به هر حال این عمل نادرست بشدت امنیت فردی و اجتماعی سایرین را به مخاطره می‌اندازد.

به طور کلی جوانان و نوجوانان به تقلید از گروه‌های وحشی دست به این اقدام خطرناک می‌زنند و با حمل سلاح سرد به نوعی به دنبال برتری خود در زمان وقوع نزاع هستند اما استفاده از هرگونه سلاح سرد که قطعاً بسیار ناشیانه، عجولانه و از روی عمد و به قصد مغلوب کردن رقیب صورت می‌گیرد عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت. متأسفانه افرادی که با سلاح سرد مرتکب جرم شده‌اند عنوان می‌کنند به هیچ عنوان به فکر کشتن کسی نبوده‌اند اما فارغ از این‌گونه توجیحات، عامل استفاده از سلاح سرد مقصر



معصومه مرادپورا/ سرچوانی که بعد از قتل پیا به فرار گذاشته و در مخفیگاه امنی در فرسنگ‌ها دور از کرج پنهان شده بود، نمی‌دانست در محاصره اطلاعاتی و عملیاتی پلیس گرفتار خواهد شد.

قاضی محمد عنبری بازپرس شعبه یکم دادسرای جنایی کرج در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار «ایران» گفت:

رسیدگی به این پرونده از شب عید ۱۴۰۲ به دنبال مرگ پسر ۲۵ ساله‌ای به نام میلاد در بیمارستان شریعتی محمدشهر کرج شروع شد. در تحقیقات اولیه مشخص شد میلاد در درگیری با پسر جوانی در یکی از قهوه‌خانه‌های محمدشهر در اثر ۲ ضربه چاقو به ناحیه گردن و کمر کشته شده است.

بررسی‌ها نشان از آن داشت، عامل جنایت که میثم نام دارد پس از رساندن میلاد به بیمارستان با به فرار گذاشته است. بازپرس کشیک قتل این پرونده درباره دستگیری قاتل متواری گفت: با تحقیقات گسترده کارآگاهان جنایی که نزدیک به یک ماه زمان برد سرانجام مخفیگاه متهم در یکی از استان‌های شمال شرقی شناسایی و متهم در یک عملیات غافلگیرانه بازداشت شد.

عنبری درباره اظهارات متهم نیز گفت: میثم که ۲۷ سال سن دارد در بازجویی‌ها مدعی شد من در یک جگرگی کار می‌کردم و وقتی خسته شدم و مشتری نبود رفته به قهوه‌خانه نزدیک آنجا تا یک بیکنجان قهوه بخورم، تازه نشسته بودم که پسر جوانی وارد قهوه‌خانه شد و به من گفت چرا به من نگاه می‌کنی و از من خواست که محل نشستنتم را تغییر بدهم و پایین‌تر بنشینم. من هم که این رفتار او برایم عجیب بود در دلم گفتم احتمالاً مشروب مصرف کرده و رفتارش دست خودش نیست برای همین محل نشستنتم را تغییر دادم. قهوه‌ام را که خوردم دوباره پسر جوان به من نگاه کرد و چند کلمه حرف‌های بی‌وجه به من زد و نزدیکم شد و چاقویش را درآورد. من هم که بشدت ترسیده بودم سعی کردم چاقو را از دستش بگیرم و در جریان درگیری بود که من برای دفاع از خودم ضربه‌ای به او زدم. او زمین افتاد و من با کمک یکی از آشنایان او را با خودم به بیمارستان شریعتی رساندیم و بعد من به شهرستان رفته



شناخته می‌شود و مسئول تبرعات بعدی عمل نادرست خویش خواهد بود و البته باید تأکید شود در برخی موارد هیچ جبرانی برای حوادث مجبور به فوت در نزاع‌های با سلاح سرد وجود نخواهد داشت. در این میان می‌توان تأثیرپذیری از گروه همسالان، فرهنگ اجتماعی، خودنمایی برای ایجاد رعب و وحشت در گروه دوستان، کسب قدرت کاذب با حمل و نگهداری از این آلات، الگوبرداری نادرست افراد از مجرمان بزرگسال یا برخی از اعضای خانواده، تلاش برای انتقامجویی و بی‌توجهی والدین به رفتارهای فرزندان را از جمله دلایل استفاده بیجا از سلاح سرد برشمرد. اما به هر حال حمل و استفاده از سلاح سرد در محل‌های شلوغ، پرتردد و یا نقاط جرم‌خیز می‌تواند خطرناک باشد و این موضوع در محله‌هایی که نزاع‌ها و درگیری‌های دسته جمعی بیشتری رخ می‌دهد می‌تواند خطرناک‌تر و عواقب حوادث احتمالی نیز جبران‌ناپذیرتر باشد. اما به هر صورت عمل نادرست حمل سلاح سرد زمینه‌ساز وقوع حوادث تأسف‌باری در کوچه و خیابان‌های شهر خواهد شد که در این رابطه به قشر جوان و نوجوان توصیه می‌شود هیچگاه به تقلید از رفتارهای غلط دیگران به اعمال نادرستی همچون حمل و استفاده از سلاح سرد گرایش نیابند و همواره از مکان و موقعیت‌های پرور تنش و درگیری دوری کنند.

محاكمه عامل جنایت در پارک صورت گرفت انتقام خونین پسرخاله‌ها

شود از محل فرار کردم. اما چند روز بعد تصمیم گرفتم خود را معرفی کنم. حالا هم می‌گویم برادر و پسرخاله‌ام که آنجا بودند در ماجرا نقشی نداشتند و فقط شاهد درگیری بودند.

در ادامه تحقیقات روشن شد برادر و پسرخاله شهرام نیز در درگیری خونین حضور داشته‌اند. به این ترتیب آنها نیز بازداشت شدند.

با تکمیل تحقیقات برای شهرام به اتهام قتل و برای برادر و پسرخاله‌اش ۲ شرکت کننده دیگر در درگیری کيفرخواست صادر و پرونده‌شان برای رسیدگی به دادگاه کيفری یک استان تهران فرستاده شد و آنها از خود دفاع کردند.



پسرخاله‌ها که در انتقامی خونین دست به جنایت زده بودند، محاکمه شدند. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر اسفند سال ۱۴۰۰ با درگیری خونین در پارکی در جنوب تهران آغاز شد. بدین ترتیب مأموران رهسپار محل درگیری شدند و دریافتند پسر جوانی به نام اکبر با ضربات قهه مجروح و به بیمارستان منتقل شده اما ساعاتی بعد به خاطر شدت جراحات جان سپرده است. در این میان پسر ۲۵ ساله‌ای به نام شهرام خودش را عامل قتل معرفی کرد و به مأموران گفت: چند روز پیش از پارک عبور می‌کردم که متوجه درگیری چند نفر با هم شدم. یکی از آنها به قوم ما قحاشی می‌کرد. از شنیدن حرف‌های او عصبانی شدم و به آنها اعتراض کردم. وقتی دیدم یک قهه روی زمین افتاده آن را برداشتم و پرتاب کردم که به دست یکی از پسران جوان برخورد کرد و من بلافاصله فرار کردم. وی ادامه داد: چند روز بعد از دوستی شنیدم همان کسی که آن شب او را در پارک با قهه زخمی کرده‌ام، حالا برادرم را به شدت کتک زده است. من که از شنیدن این حرف شوکه شده بودم، بلافاصله خودم را به پارک رساندم و دیدم اکبر و دوستش قاسم روی موتور نشسته‌اند و قهه‌ای هم در دست دارند. برادرم هم مجروح در کوشه پارک افتاده بود که قهه را به دست گرفتم و چند ضربه به کتف و پهلوئی اکبر زدم. وقتی دیدم او دیگر نمی‌تواند از جایش بلند

در دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. سپس شهرام در جایگاه ویژه ایستاد و به قتل اعتراف کرد. وی گفت: قبول دارم اکبر را کشتیم اما من قصد قتل او را نداشتم. او و دوستانش به محض شدت کتک زده بود که من خودم را به پارک رساندم. او و دوستانش به محض رو به رو شدن با من به سمت حمله‌ور شدند و من برای دفاع از خودم ناچار شدم با قهه به اکبر حمله کنم. من پشیمان هستم. برادر و پسرخاله وی نیز گفتند در درگیری ضربه‌ای به قربانی زده‌اند و شهرام برای دفاع از خودش به ناچار قهه کشیده است. با طرح این ادعا، قضات دادگاه پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا برگرداندند تا از شهود تحقیق شود.